



مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل؛ انگیزه نگارش تفسیر کاشف

حجت الاسلام و المسلمین عبدالکریم بی‌آزارشیرازی یکی از نویسندگان تفسیر کاشف معتقد است که بی‌ارتباط دانستن آیات قرآن در مطالعات غربی نتایج عجیبی دارد و ممکن است فجایع زیادی ایجاد کند.

حجت الاسلام و المسلمین عبدالکریم بی‌آزارشیرازی یکی از نویسندگان تفسیر کاشف معتقد است که بی‌ارتباط دانستن آیات قرآن در مطالعات غربی نتایج عجیبی دارد و ممکن است فجایع زیادی ایجاد کند.

تفسیر کاشف با عنوان فرعی توصیفی از چهره موزون سور قرآن و روابط آیات 9 جلد را شامل می‌شود که تا پایان سوره یوسف به طول انجامیده است. حجت الاسلام و المسلمین عبدالکریم بی‌آزارشیرازی در دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی با صبر و حوصله زیاد از کار زیادی که بر روی این تفسیر شده و از دغدغه اصلی کار می‌گوید. وی معتقد است که پراکنده دانستن آیات نتایج عجیبی داشته و ممکن است فجایع زیادی را ایجاد کند و ایشان در تفسیرشان کاری کرده‌اند که قرآن با مردم سخن بگوید و نه اینکه ایشان سخنگوی قرآن باشند. در ادامه مشروح مصاحبه خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، با یکی از مولفان تفسیر کاشف را می‌خوانید.

ایکنا: انگیزه شکل‌گیری تفسیر و اینکه شما به این کار پرداختید چه بود؟

بنده در دوره جوانی دوست داشتم به اروپا و آمریکا رفته و ببینم این‌ها که این قدر از علوم اسلامی استفاده می‌کنند، چه انگیزه‌ای دارند و متقابلاً چه نکته‌های منفی از اسلام دیده‌اند. وقتی آدم خودش در درون است، به خاطر علاقه‌ای که دارد، ممکن است مشکلات را نبیند.

وقتی برای مطالعات اسلامی به دانشگاه مک گیل کانادا رفتم، دیدم که این‌ها چقدر از علوم اسلامی استفاده می‌کنند و کتاب‌هایی که من خودم نوشته بودم هم در کتابخانه آنجا بود. در عین حال دیدم اشکال بزرگی به قرآن وارد می‌کنند و آن این است که چون این آیات به تدریج نازل می‌شده است، ربطی به هم ندارد و در موضوعات پراکنده صحبت کرده است، فلذا آن قدر که به سیره ابن اسحاق اهمیت می‌دادند به قرآن اهمیت نمی‌دادند.

لذا بنده مطالعه عمیقی در این زمینه کرده، تورات و انجیل و کتاب‌هایی که در زمینه پیدا کردن ارتباط میان تورات و انجیل نوشته شده و چگونه این ارتباط به دست آمده است را مطالعه کردم و بالاخره نحوه ارتباط میان آیات قرآن را کشف کردم. در اثنای همین تحقیقات متوجه شدم که تورات و انجیل محور مشترکی دارند و آن کلمه عهد است و به تورات عهد قدیم و به انجیل عهد جدید گفته می‌شود درحالی که برخی تصور می‌کنند، مراد از عهد دوره است، اما مراد از عهد میثاق میان خدا و انسان‌هاست. من ملاحظه کردم در برخی تفاسیر آمده است که قرآن هم عهد اخیر است و روایات را هم نگاه کردم و دیدم حضرت فاطمه (س) گفته‌اند، قرآن کتاب عهدی است که به شما داده شده است و لذا کتاب میثاق در قرآن را به انگلیسی نوشتیم. روی واژه عهد در قرآن کار کردیم و بالاخره مقدمه کشف محورهای دیگر در قرآن و نوشتن تفسیر کاشف به دست آمد. ایکنا: پس مراد شما به نوعی کشف روابط میان آیات سوره‌هاست.

بله.

ایکنا: تفسیر کاشف چه خصوصیات و ویژگی‌هایی دارد؟

تفسیر کاشف ویژگی‌های فراوانی دارد که مهم‌ترین آنها ترابط و تناسب آیات است. روی این مساله کم کار شده و تا حدودی در تفسیر مجمع البیان ارتباط این آیه با آیه‌های دیگر و یا سوره با سوره‌های دیگر بیان شده است. این مساله که در یک سوره درباره موضوعات مختلفی بحث شده است که ظاهراً ارتباطی با هم ندارد و همین باعث شده است تا اکثر مردم ترجمه‌های قرآن را که می‌گیرند و مطالعه می‌کنند، پس از مدتی این مشکل بر می‌خورند و هم ترجمه و هم تفاسیر از آیات به صورت گسسته استفاده می‌کنند که این باعث می‌شود آیات قرآن به صورت کلمات قصار درآمده و معلوم نشود که آیات یک سوره در مجموع می‌خواهد چه چیزی را بیان کند. بنابراین تفسیر جداگانه آیات نادرست است. تفسیر کاشف به دنبال محور یا محورهای هر سوره است که بر این اساس ارتباط میان آیات و موضوعات گوناگون در هر سوره را کشف کند. این با تفسیر قرآن به قرآن فرق می‌کند، در حالی که به نوعی در ذیل این شیوه است. در تفسیر قرآن به قرآن در تفسیر یک آیه، همه آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود.

ما ارتباط آیات هر سوره را با هم مورد سنجش قرار داده‌ایم. وقتی هر آیه‌ای از سوره جدا و به صورت انفرادی تفسیر می‌شود، از نوری که در کل سوره وجود دارد، محروم می‌شود و در واقع به تاریکی برده می‌شود و ابهامات فراوان پیدا می‌شود و آن وقت مفسر از خود مایه گذاشته و یا احتمالات استفاده کرده و خواننده نمی‌تواند استفاده‌ای ببرد.

از این رو ما ملاحظه می‌کنیم اغلب این همه قرآن که ترجمه و تفسیر شده است، در طاقچه‌ها مانده و کم مورد استفاده قرار می‌گیرد. تفسیر کاشف برای رفع این مشکل بزرگ تالیف شده است. از سویی بسیاری از مستشرقین معتقدند که ما از قرآن نمی‌توانیم استفاده کنیم، چون هر سوره به موضوعات پراکنده اختصاص دارد. نمی‌توان آیه‌ها را از سوره‌ها جدا کرده و مطلبی را مونثاً کرد، زیرا در این صورت این مطلب را هم می‌توان به نفع اسلام و هم به ضرر اسلام ایجاد کرد که هر دو کار انجام شده است. ما ملاحظه می‌کنیم که گروه‌های تکفیری می‌روند و آیاتی که درباره جهاد در سوره‌های مختلف وجود دارد را جمع‌آوری

می‌کنند و به نتایج خیلی عجیب و غریبی رسیده و فجایع زیادی را ایجاد می‌کنند. کار مهم دیگر این تفسیر کشف تاویلات الهی از خلال آیات قرآنی است. متشابهات قرآن باید بر اساس محک‌های تاویل شوند که در قرآن آمده است و در همین زمینه آیه 7 سوره آل عمران «...وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ...» ... با آنکه تاویلش را جز خدا نمی‌داند ... وجود دارد. برخی متاسفانه از این آیه چنین برداشت کرده‌اند که معنای این آیات تنها خدا و ائمه را شامل می‌شود در حالی که نمی‌شود که خداوند قرآن را نازل کند که تنها خود و عده خاصی بفهمد. بنابراین منظور از این آیه این است که تاویل آیات متشابه در خود کتاب الله است، از این رو امام رضا (ع) می‌فرمایند: کسی که آیات متشابه را به آیات محک‌های بازگرداند، به صراط مستقیم هدایت شده است. از این رو ما تاویلات الهی را در قرآن از طریق آیات محکم کشف کنیم. ما جداولی را در هر سوره داریم که آیات متشابهات را به محک‌های آن سوره و یا سوره مجاور برگردانده‌ایم.

روش دیگری هم برای تفسیر داشته‌ایم و آن تفسیر هر سوره با سوره هم‌جوار است. در قرآن چنین آمده است که تمام مطالب قرآن دو به دو شبیه و قرینه یکدیگرند و این عین نص قرآن است که می‌فرماید «اللَّهُ تَزَلَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانًى...» خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه متضمن وعد و وعید نازل کرده است....» (زمر، 23) خداوند بهترین سخن را نازل کرده که آیاتش و مطالبش دو به دو شبیه و قرینه یکدیگرند. در خلقت انسان هم همین طور است که کل اجزا انسان دو به دو شبیه و قرینه یکدیگرند و اساس خلق خداوند این قرینه و دوتایی بودن است و هر سوره با سوره مجاور مورد استفاده واقع شده است.

ایکنا: از چه منابع دیگری در تفسیر استفاده کرده‌اید؟

ما در تفسیر از علم لغت، ارتباط میان لغات قرآن و علم معناشناسی، از تفاسیر اهل بیت و ... استفاده کرده‌ایم. اما ویژگی‌های خاصی که عرض شد، منحصر به فرد است و از این رو این تفسیر بسیار مخصوصا در حوزه علمیه قم مورد استقبال واقع شده است و حتی در خارج از کشور نیز رجوع گسترده‌ای شده و در لبنان یکی از علما در خصوص روش تفسیری تفسیر کاشف کتابی منتشر شده است و در زبان اردو نیز این اثر ترجمه و استفاده می‌شود.

ایکنا: به چه دلیلی از عکس، تصاویر و نقشه در این کار استفاده شده است؟

بله، ما از عکس، تصاویر و نقشه هم استفاده کرده‌ایم. در جایی که قرآن از طبیعت صحبت کرده، ما تصاویری از طبیعت زیبا آورده‌ایم. در زمینه جغرافیای تاریخی هم نقشه‌هایی ارائه شده و به جای اسرئیلیات از باستان‌شناسی استفاده کرده‌ایم که در زمینه پیامبران کار کرده‌اند و این مسائل حاوی مطالب بسیار جالبی است و در خصوص پیش‌گویی‌های قرآن مطالبی بیهوده ارائه می‌کند.

طبیعی است مقدار زیادی از زیبایی قرآن در ترجمه‌اش از دست می‌رود که ما این مشکل را با بهترین اشعار شاعران نامی مثل سعدی، مولانا و ... تلطیف کرده‌ایم و مطالب قرآن را به اشعار زیبا مزین ساخته‌ایم. لذا این تفسیر کاملا اثر جدیدی است. ما کاری کرده‌ایم که قرآن خود با ما سخن بگوید نه اینکه ما سخنگوی قرآن باشیم.

متاسفانه در طول تاریخ افرادی بودند که آمده‌اند و معلومات خود یا معلومات فرقه خود را به تفسیر قرآن پیوند زده‌اند و همان مطالب را از زبان قرآن بیان کرده‌اند و اغلب فرقه‌های فلسفی، کلامی و عرفانی معتقدند که قرآن حرف ایشان را می‌زند. در صورتی که این‌ها در صدد نیستند که ببینند قرآن خودش چه می‌گوید و این باعث شده است که صد نوع تفسیر قرآن به وجود بیاید و کتاب‌الله که برای وحدت آمده است، بدل به کتابی فرقه‌ای شود.

در این میان دو نفر قرآن را از دست فرقه‌گرایان نجات دادند. یکی علامه طباطبایی در قم که گفت ما باید قرآن را با قرآن تفسیر کنیم و دیگری شیخ محمد عبده و شاگردانش که تفاسیر دیگر را کنار گذاشته و تفسیر قرآن بالقرآن را ارائه دادند که عامل وحدت باشد و خوشبختانه از آن زمان به بعد چه در قم و چه در مصر توسط شاگردان این دو استاد بزرگوار سعی می‌شود که تفاسیر تقریب‌گرا باشد و تفسیر ما هم نوعی تفسیر قرآن به قرآن است.